

تحلیل رابطه توحید و مهدویت با تأکید بر آثار آیت‌الله صافی

فرشته محمدی احمدآبادی^۱

محمدعلی محیطی اردکان^۲

چکیده

«توحید» از اصول مشترک همه ادیان الهی و مهم‌ترین اصل در نظام فکری اسلام است. شناخت صحیح رابطه توحید و موعودباوری که از دیگر اصول مشترک همه ادیان است، عامل مهمی در جهت‌دهی صحیح ایدئولوژی دینی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل رابطه توحید و مهدویت از منظر آیت‌الله صافی است که از اندیشمندان حوزه مهدی‌پژوهی معاصرند. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، پس از تبیین رابطه متقابل توحید و مهدویت، به تحلیل و تبیین آن پرداخته است. در نقش توحید بر مهدویت، داشتن بینش توحیدی و اعتقاد به توحید عملی، به عنوان مهم‌ترین بستر شکل‌گیری جامعه جهانی مهدوی قابل طرح است. از سوی دیگر، ابتدای مهدویت بر توحید در دو حوزه نظری و عملی، تحقق جامعه مهدوی از طریق توحید، جهت‌دهی به سوی وحدت جهانی؛ از مهم‌ترین نقش‌های توحید در حوزه مهدویت است. تقویت مهدی‌باوری و مهدی‌یاوری باعث تقویت توحیدباوری و عمل به لوازم آن و ترویج توحید در جامعه می‌شود. باب معرفت خدا بودن امام، بسط و تفصیل معرفت خدا توسط امام، حاکمیت جهانی توحید در عصر ظهور، تحقق اهداف توحیدی اسلام و... از آثار مهدویت بر توحید به حساب می‌آیند.

واژگان کلیدی: توحید، مهدویت، حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه، آیت‌الله صافی.

۱. طلبه سطح ۴ رشته علوم و معارف قرآن. f.mohamady1356@yahoo.com

۲. دانشیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. Mohiti@iki.ac.ir

«توحید»، اساس همه ادیان و قدر مشترک آنهاست. در جهان‌بینی اسلامی، توحید اصل اساسی است که در تمام اصول و فروع دین جریان دارد. لذا «جهان‌بینی اسلامی» را «جهان‌بینی توحیدی» می‌نامند. بینش توحیدی، افزون بر این که ماهیتی نظری دارد، دارای ابعاد و جلوه‌های عملی در زندگی فردی و اجتماعی است. در نگرش توحیدی، انسان و تمام اجزای هستی، مخلوق خالق می‌توانا هستند و همه آنها فرمانبردار او هستند. مهم‌ترین اصل در اندیشه توحیدی، «نفی عبودیت غیر خدا» در تمام ساحت‌های زندگی است. توحید در آثار عملی‌اش، پیش از اثرگذاری بر افراد، نظام و ساختار جامعه را تغییر می‌دهد و آن را توحیدی می‌کند.

یکی از اعتقادات بنیادین که با توحید ارتباط ویژه‌ای دارد؛ اعتقاد به مهدویت است. «مهدویت»، آرمان بزرگ دینی است که در همه ادیان الهی و غیرالاهی در قالب انتظار ظهور منجی موعود مطرح است و در اسلام به طور خاص به آموزه ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه له تعلق دارد که ایشان با طاغوت‌ها مبارزه و با ایجاد جامعه توحیدی و حاکمیت عدل جهانی، جهان را از عدل و داد پر می‌کند. یکی از فعال‌ترین مهدوی‌پژوهان در عصر حاضر، مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی از مراجع تقلید شیعه در قم و از شاگردان برجسته آیت‌الله بروجردی است. وی در زمینه مهدویت، جریان‌ساز بوده و آثار ارزشمند متعددی تدوین کرده است.

اعتقاد به مهدویت، امید را در دل‌ها زنده می‌کند و مانع تسلیم‌شدن در برابر ستم و سرمنشأ حرکت‌های بزرگ در جوامع می‌شود. در حوزه اعتقادات اسلامی، کم‌تر موضوعی را می‌توان یافت که تا این حد به آن اهمیت داده شده باشد. «مهدویت» در فرهنگ شیعه، از جمله آموزه‌های اعتقادی و بلکه از ضروریات مذهب به شمار می‌آید؛ به‌طوری‌که بر خلاف اهل سنت که آن را مسئله‌ای فرعی می‌دانند، شیعه آن را جزو اصول اعتقادی و از شئون نبوت می‌داند و به عصمت، علم لدنی و نصب الهی امام قائل است.^۱ بسیاری از آیات قرآن کریم به مسئله مهدویت اشاره دارند.^۲ روایات فراوانی نیز به ابعاد مختلف این مسئله پرداخته‌اند. آیت‌الله صافی

پژوهش‌های مهدویت

سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۱. سبحانی، محاضرات فی الالهیات، ج ۱، ص ۳۴۳ - ۳۴۵.

۲. برای نمونه ر.ک: قصص: ۵؛ انبیاء: ۱۰۵؛ توبه: ۳۳ و اسراء: ۸۱.

گلیپایگانی بخشی از این احادیث را در «منتخب الاثر فی احوال الامام الثانی عشر» گرد آورده است.

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، توحید و مهدویت، دارای ارتباط ناگسستنی هستند و عدم شناخت صحیح رابطه این دو، موجب تضعیف این دو عقیده و بارور نشدن آثارشان و عدم زمینه‌سازی ظهور می‌گردد. از همین رو، تحقیق حاضر در صدد پاسخ به این سؤال محوری است که توحید و مهدویت دارای چه رابطه‌ای هستند؟ به عبارت دیگر، نقش توحید در مهدویت و نقش مهدویت در توحید از نظر آیت‌الله صافی چیست.

در پاسخ به سؤالات تحقیق، از روش «توصیفی - تحلیلی» استفاده شده است. به این صورت که با توجه به آثار آیت‌الله صافی و بررسی و تحلیل مراتب مختلف توحید و آموزه مهدویت، به بیان رابطه بین این دو پرداخته شده که چگونه مهدویت در دو بعد نظری و عملی بر توحید مبتنی است و چگونه توحید، عامل تقویت مهدی باوری و مهدی یاوری می‌شود.

«توحید» چون امری فطری است، دارای پیشینه‌ای به اندازه عمر آدمی است. اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه نیز، در بین مسلمانان از زمان پیامبر رواج داشته است.^۱ تا کنون کتاب، مقاله و تحقیقات بسیاری درباره «توحید» و «مهدویت» نوشته شده است. در خصوص رابطه توحید و مهدویت، می‌توان کتاب مختصر «مهدویت نهفته در توحید»، نوشته عبدالله حاجی صادقی را نام برد. در این اثر با تبیین پیوند میان توحید و مهدویت از طریق مفهوم ولایت، به انحصار ولایت حقیقی برای خداوند و شئون ولایت در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و امام و در عصر غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه پرداخته شده است. همچنین یکی دیگر از آثار ایشان مقاله «ولایت تجلی توحید ربوبی» است که در آن، تنها به نقش زیربنا بودن توحید ربوبی نسبت به ولایت اشاره شده است. اثر دیگر، مقاله «رابطه توحید و ولایت در آیات و روایات»، نوشته قاسم جوادی است که نگارنده بعد از پرداختن به برخی از آیات و روایات در زمینه توحید، به مفهوم لغوی «ولایت» اشاره کرده و سپس تعدادی از آیات و روایات در زمینه ولایت را برشمرده و بدون ذکر رابطه توحید و ولایت، در صدد بیان این مطلب است که عدم شناخت صحیح رابطه این

۱. طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۴۳.

دو، به دو تفکر «وهابیتِ اَرهابی» و «شیعه غالی» می‌انجامد؛ که این، البته نیازمند تبیین بیش‌تر در تحقیقاتی مستقل است. درعین‌حال، باتوجه به این‌که مقاله حاضر در صدد واکاوی رابطه متقابل توحید و مهدویت از منظر آیت‌الله صافی است؛ پیشینه خاص ندارد. بحث را با مفهوم‌شناسی آغاز می‌کنیم:

مفهوم‌شناسی

الف) توحید

«توحید» در لغت، از ریشه «وَحَدَ» است که بر یکی بودن دلالت دارد.^۱ این واژه مصدر باب «تفعیل» است. یکی از معانی باب تفعیل عبارت است از: «کسی یا چیزی را دارای وصفی دانستن». بنابراین، توحید به معنای «یکی دانستن و یکی شمردن» است.^۲

«توحید» در اصطلاح به معنای یگانه دانستن و یکتا شمردن خدا است،^۳ ولی چون توحید دارای مراتب مختلفی است که مهم‌ترین مراتب آن در ساحت اندیشه، «توحید در ذات و صفات و افعال» و در ساحت عمل و رفتار، «توحید در عبادت» است؛ لذا می‌توان گفت توحید در اصطلاح، عبارت است از اعتقاد قطعی به وحدانیت و یکتایی خداوند در ذات، صفات و افعال خویش و عمل کردن طبق این عقیده.^۴

البته در مباحث اعتقادی، گاهی توحید در معنایی عام‌تر نیز به کار می‌رود که تمام مباحث مربوط به خداشناسی، از جمله دلایل و براهین اثبات خدا و مباحث مربوط به اوصاف الهی را شامل می‌گردد^۵ که این معنا در این مقاله مورد توجه نیست.

ب) مهدویت

«مهدویت» از لحاظ لغوی، مصدر جعلی از ریشه «مهدی» است که پس از افزودن «تای تأنیث» به اسم «مهدوی» که «یای نسبت» به آن اضافه گردیده، ساخته شده است. بنابراین

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۵۰.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۹۰.

۳. مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۴۸.

۴. سعیدی مهر، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۶۵ - ۶۸.

۵. خواجگی شیرازی، النظامیة فی مذهب الإمامیة، ص ۷۷.

مهدویت، به معنای «مهدی بودن» است^۱ و چون «مهدی» اسم مفعول به معنای «هدایت شده» است، مهدویت به معنای «ره یافته بودن» خواهد بود.^۲ البته گاهی نیز در معنای فاعلی به معنای «هدایت کننده» به کار می رود.^۳

«مهدویت» در اصطلاح، به باورداشت موعود و منجی در آموزه های اسلام گفته می شود که امروزه این اصطلاح، برای اشاره به آموزه ها و بحث هایی در نظر گرفته می شود که به گونه ای با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ارتباط دارند.^۴

مسلمانان در وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان منجی آسمانی اختلافی ندارند. اختلاف آنان در مصداقش است. اکثر اهل سنت او را کسی می دانند که هنوز به دنیا نیامده و از نسل پیامبر است؛^۵ ولی شیعه دوازده امامی معتقد است که او همانم و از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است و به عنوان امام دوازدهم، هم اکنون در دوران غیبت نیز منصب امامت را بر عهده دارد و همچون خورشید پشت ابر، کائنات را هدایت می کند.^۶

از آن جا که مشهورترین لقب منجی در میان مسلمانان، «مهدی» است؛ اندیشه موعودباوری را اندیشه «مهدویت» نامیده اند. مهدویت طبق دیدگاه آیت الله صافی، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه ای واحد و سعادت عمومی، با حکومت حق و عدل جهانی و غلبه حق بر باطل به رهبری ابرمردی الهی است که موعود ادیان و دوازدهمین جانشین پیغمبر آخرالزمان است.^۷ لقب مهدی به آخرین امام اختصاص ندارد و بقیه ائمه علیهم السلام نیز با توجه به معنای لغوی آن، مهدی و هدایت شده هستند؛ ولی این لقب از همان ابتدای شکل گیری بحث «مهدویت» بر زبان معصومان علیهم السلام رایج بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بارها از آخرین پیشوا به عنوان «مهدی» یاد کرده اند؛ مانند این حدیث رسول گرامی اسلام خطاب به حضرت زهرا علیها السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ

۱. سلیمیان، فرهنگ نامه مهدویت، ج ۱، ص ۴۳۴.

۲. طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۷۵.

۳. جمعی از نویسندگان، دانش نامه مهدویت و امام زمان علیه السلام، ج ۱، ص ۶۴۷.

۴. سلیمیان، در سنامه مهدویت، ج ۱، ص ۱۵ و ۲۱.

۵. خطیبی کوشک، فرهنگ شیعه، ج ۱، ص ۴۳۵.

۶. صافی گلپایگانی، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، ص ۱۷۴.

۷. همان، اصالت مهدویت، ص ۷ - ۲۴.

و تَعَالَى ... ابْنَاكَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَنَا وَ أَخِي وَ الْأَحَدَ عَشَرَ إِمَاماً أَوْصِيائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلُّهُمْ هَادُونَ مَهْدِيُونَ ... وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةُ الَّتِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهَا الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرًا.^۱ همچنین ایشان در خطاب به حضرت علی علیه السلام، یازدهمین امام بعد از ایشان را «مهدی» نامیدند.^۲

نقش توحید در مهدویت

در بیان نقش توحید در مهدویت، می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. ابتدای مهدویت بر توحید

بر اساس نتایج تحلیل آثار آیت‌الله صافی در حوزه مهدویت، می‌توان گفت که مهدویت در دو بعد «نظری» و «عملی» بر توحید مبتنی است:

الف) ابتدای نظری

توحید محوری، پیش شرط تفکر مهدوی است. معیار در تشخیص هر عقیده اسلامی، این است که به توحید اتصال داشته باشد. در اسلام هیچ اعتقادی بدون باور به توحید، اعتبار ندارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ^۳؛ اولین گام در راه دین‌داری، شناخت خداوند و کمال شناخت، خداباوری و کمال خداباوری، توحید است. بنابراین، محور اصلی و اساس دین، توحید است.

طبق اقسام مختلف توحید، خالق و رب و حاکم و مالک مستقل، فقط خداوند است و حق تعیین و نصب امام و ولایت مطلق بر کلیه امور، مختص اوست. هر حاکمیت و مالکیت و ولایتی که به اذن خداوند نباشد، «استبداد» است.^۴ آموزه‌های توحیدی، موجب رشد معنویت و گرایش به ولایت‌مداری می‌گردد. در نتیجه توحید را می‌توان زیربنای مهدویت برشمرد.

۱. هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص ۵۶۵-۵۶۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۳۹.

۴. صافی گلپایگانی، اصالت مهدویت، ص ۸۶.

۱. توحید افعالی

در جهان یک سلسله علل طبیعی با آثار ویژه‌ای وجود دارند، مانند سوزندگی آتش و تأثیر درمانی گیاه. انسان نیز علت افعال درونی و بیرونی خویش است؛ اما تأثیر این علل، استقلالی نیست و در پرتو قدرت خداوند است؛ زیرا «خداوند» تنها فاعل مستقل است. موجودات همان‌طور که اصل هستی خود را از خدا گرفته‌اند، در افعال و کارهای خود نیز - که این افعال هم از سنخ هستی است - از او بی‌نیاز نیستند و در تأثیر و ایجاد، فاقد استقلال می‌باشند؛ بر خلاف خداوند که در انجام دادن افعالش از دیگر موجودات مستقل و بی‌نیاز است.^۱ براین اساس، می‌توان گفت که هر فعلی، فعل خداست.

بر اساس آیات قرآن، جعل و نصب امام از طرف خداوند است.^۲ اگر جعل آن از جانب غیر خدا، حتی از شخص رسول خدا را صحیح بدانیم، به معنای شرکت با خدا در فعل اوست و این رویکرد، با توحید افعالی منافات دارد.^۳ پس زیر بنای عقیده شیعه در مهدویت که مستلزم باور به امام منصوب از طرف خدا است، «توحید افعالی» است.

۱-۱. توحید در ربوبیت

یکی از شعبه‌های مهم توحید افعالی، «توحید در ربوبیت» است. حقیقت رب، یعنی تنظیم اشیا و تدبیر امور آن، به‌طوری‌که به کمال مطلوب خود برسند و توحید در ربوبیت، به این معناست که تدبیر عالم به دست خداوند است و او، مُدبِر بالذات و مستقل است و اسباب و مسببات تماماً سپاهیان خداوند سبحان است که به امر خدا و مشیت او فعلی را انجام می‌دهند. بنابراین، مُدبِر بودن برخی موجودات، با انحصار و تدبیر استقلالی در خداوند منافات ندارد.^۴ «ربوبیت» از لوازم مالکیت حقیقی است؛ زیرا تا موجودی مالک حقیقی نباشد، نمی‌تواند مستقلاً به تدبیر امور آن بپردازد. علامه طباطبائی در تفسیر سوره حمد، در معنای «رب» می‌فرماید: رب به معنای مالکی است که امر مملوک خود را تدبیر می‌کند و در ادامه، مالکیت

۱. سبحانی تبری، راه خدا شناسی و شناخت صفات او، ص ۴۵۳-۴۵۵.

۲. بقره: ۱۲۴ و فرقان ۷۴.

۳. صافی گلپایگانی، تجلی توحید در نظام امامت، ص ۶۱.

۴. سبحانی، محاضرات فی الهیات، ص ۶۹-۷۱.

را به دو قسم «مالکیت حقیقی» و «مالکیت اعتباری» تقسیم کرده و سه ویژگی را برای مالکیت حقیقی بیان می‌کند. در مالکیت حقیقی، هستی مملوک به هستی مالک قائم است و وجودی جدا و مستقل از وجود مالک ندارد و نیز، مالک می‌تواند به دلخواه در مملوک تصرف کند. ایشان در ادامه می‌فرماید: با توجه به این ویژگی‌ها، مالکیت خدا حقیقی است؛ چون ملکیت اعتباری با بطلان اعتبار، باطل می‌شود؛ ولی مالکیت خداوند نسبت به عالم باطل شدنی نیست. همچنین ملکیت حقیقی جدا از تدبیر متصور نیست. بنابراین، خداوند همان طور که مالک همه جهان و موجودات است و به آن‌ها هستی می‌دهد، تدبیر امورشان هم به دست او می‌باشد و این همان «ربوبیت الهی» است.^۱

توحید در ربوبیت به دو قسم «توحید در ربوبیت تکوینی» و «توحید در ربوبیت تشریعی» تقسیم می‌شود. مراد از توحید در ربوبیت تکوینی آن است که نظام این جهان که مجموعه پدیده‌های بی‌شمار گذشته و حال و آینده را شامل می‌شود؛ تحت تدبیر حکیمانه پروردگار یگانه اداره می‌شود^۲ و مراد از توحید در ربوبیت تشریعی آن است که فقط خداوند حق قانون‌گذاری (تشریع) را دارد و تنها او این اختیار را دارد که بندگان را به برخی از امور مکلف کند.

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است:

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ؛ حُجَّت [خدا] پیش از خلق بوده و با خلق هست و بعد از خلق نیز خواهد بود. یعنی وجود حجت در آفرینش پیش از خلق است و از نظر پرورش همراه آن‌هاست و از نظر هدف و غایت بعد از آن‌ها خواهد بود.

امامان که واسطه فیض‌های تکوینی و تشریعی هستند، هر گونه انکار آن‌ها و برخورد با آن‌ها، مبارزه با حاکمیت و ربوبیت الهی است. طبق گفته آیت‌الله صافی، امام عصر (ع) علاوه

۱. ر. ک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۱.

۲. مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۲، ص ۳۸۹.

۳. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴.

بر آن که واسطه ربوبیت تشریعی الاهی است، در بعد تکوینی چه در زمان غیبت و چه در عصر ظهور، بر بندگان ولایت دارد.^۱

بنابراین، بر اساس توحید ربوبی، خداوند مدبّر مستقل و بالذات جهان است و در این عصر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نماینده خدا در تدبیر جهان و انسان و واسطه فیض خداوند می باشد. پس توحید ربوبی بر باورداشت مهدویت بسیار مؤثر است.

۱-۲. توحید در تشریع و حاکمیت

در بینش توحیدی اسلام، حق قانون گذاری (تشریع) و حق اجرای قوانین (حاکمیت) مخصوص خداوند است و مرجع دیگری در عرض خدا، چنین حقی ندارد: ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾^۲؛ چون حکم در هر امری جز از ناحیه مالک حقیقی آن، صحیح نیست و در تدبیر امور عالم و تربیت بندگان، مالک حقیقی خداوند است. پس حکم نیز به حقیقت معنای کلمه منحصرأ از آن اوست؛ ولی از آن جا که تدبیر امور جامعه و حاکمیت به برقراری ارتباط طبیعی با مردم نیازمند است؛ باید گروهی از خود مردم که مشروعیت حکومتشان از ولایت الاهی سرچشمه می گیرد، حکومت را به دست گیرند.^۳

بنابراین، اساس نظام امامت این است که حاکم و صاحب اختیار حقیقی همه و همه چیز خدا است و قانون و شریعت و برنامه دولت و حکومت، همه از جانب خداوند باید تعیین شود و طبعاً هر حاکمیت و ولایتی که به اذن الاهی نباشد، باطل است.^۴ در نتیجه این قسم از توحید و چنین بینش توحیدی با رسمیت نشناختن حاکمیت غیرالاهی و قوانین بشری، زمینه ساز ایجاد حکومت مهدوی است.

ب) ابتدای عملی

مهدویت در بعد عمل نیز بر توحید مبتنی است. توحید تنها عقیده و اندیشه ای خنثا نیست که بر حوزه رفتار و کردار انسان تأثیری نداشته باشد. ابتدای عملی مهدویت بر توحید را

۱. صافی گلپایگانی، ولایت تکوینی و ولایت تشریعی، ص ۹۴ و ۹۸.

۲. یوسف: ۴۰.

۳. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۷۷.

۴. صافی گلپایگانی، عقیده نجات بخش، ص ۴۹.

به شرح زیر می‌توان تبیین کرد:

۱. توحید در عبادت

مهم‌ترین جلوه توحید عملی، «توحید در عبادت» است. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۱. در این آیه، همه به عبادت خداوند امر شده‌اند. امام خمینی در معنای «عبادت» و «پرستش» فرمودند: عبادت این است؛ انسان، کسی را به عنوان خدا بودن و اوصاف خدایی داشتن، ستایش کند.^۲ علامه طباطبایی لازمه معنای عبادت را خضوع دانسته است.^۳ بنابراین، عبادت، اظهار خضوع فرد برای موجودی است که اوصاف خدایی برایش قائل است. مهم‌ترین اصل در اندیشه توحیدی، نفی عبودیت غیر خدا در تمام ساحت‌های زندگی است؛ حتی هر نوع دنیاپرستی، هواپرستی و جاه‌پرستی، نوعی شرک در عبادت و بر خلاف توحید عبادی است. در بینش توحیدی، کسی که در مقابل هوای نفس خود، فرمان‌بردار است؛ عملاً آن را معبود خود قرار داده و آن را عبادت کرده است: «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»^۴؛ آیا دیدی آن کس که هوای نفس خود را معبود خویش گرفته است؟

به گفته آیت‌الله صافی، مردم فقط باید در برابر احکام خدا خاضع باشند و خضوع و تسلیم در برابر احکام دیگران و تسلیم شدن در برابر نظامات غیراسلامی، نشانه توجّه به شرک در عبودیت و اعتراف به مقام الوهیت و خدایی آن‌هاست و درحقیقت، بندگی خود را در مقابل آن‌ها پذیرفته است؛ چون خضوع در برابر احکام خدا، خضوع برای خدا و پرستش خدا است و خضوع در برابر نظام‌های غیرالاهی، پرستش غیر خدا و قبول استبعاد است. به نظر ایشان، ضرر و فساد بشرپرستی از سنگ‌پرستی بیش‌تر است؛ چون بشر بر اثر خضوع و تعظیم دیگران، مغرور و دیکتاتور و متکبر می‌شود؛ به‌طوری‌که از انتقاد و راهنمایی دیگران ناراحت می‌گردد و از این‌که مردم او را بپرستند و در برابر او تواضع کنند، لذت می‌برد؛ اما سنگ‌پرستی این

۱. بینه: ۵.

۲. موسوی خمینی، کشف الاسرار، ص ۲۹.

۳. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۴.

۴. فرقان: ۴۳ و جائیه: ۲۳.

مفاسد را ندارد.^۱

از سویی دیگر، قرآن کریم در برخی از آیات، از جمله آیه شریفه ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲ که حکومت جهانی بندگان صالح را وعده می‌دهد (و طبق روایات، این حاکمیت، بر حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در زمان ظهور دلالت دارد)^۳ راه تعجیل در ظهور آن حضرت و تحقق حکومت صالحان بر زمین را بندگی خالص خدا و پرورش بندگان شایسته عنوان می‌کند. آیت‌الله صافی نیز بیان می‌کنند که طبق تعالیم اسلام، همه در برابر احکام خدا برابر هستند و در زمان ظهور، دین حق، همه را در زیر یک پرچم که فقط به خدا تعلق دارد و به هیچ حکومت و شخصی منتسب نیست؛ قرار می‌دهد.^۴ در نتیجه ثبات قدم در بندگی خدا و توحید عبادی، زمینه‌ساز ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهد شد.

۲. توحید در اطاعت

یکی از شئون توحید عملی، «توحید در اطاعت» است؛ به این معنا که انسان فقط مطیع دستورهای خداوند باشد و اطاعت احدی غیر از خدا را در عرض اطاعت او قرار ندهد. از دیدگاه قرآن، تنها خدا و کسانی که اطاعتشان با اطاعت خدا همسوست، لازم‌الاطاعه هستند. هرگونه اطاعت و تسلیم در برابر احکام و فرمان‌های مخالف دستورهای خداوند، از دیدگاه قرآن نوعی شرک است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ﴾^۵؛ از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است، پیروی کنید و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید. این آیه با پرداختن به قسم توحید در اطاعت، همگان را به اطاعت مطلق از فرمان‌های خداوند فراخوانده است و در ادامه، متذکر می‌شود که نباید کسی غیر از خدا را به‌عنوان ولی برگزید و از او پیروی کرد. البته چنین امری با اطاعت از

۱. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۱۰۰-۱۰۲.

۲. انبیاء: ۱۰۵.

۳. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۰۶.

۴. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۱۰۳.

۵. اعراف: ۳.

کسانی که خود خداوند ما را به اطاعتشان فراخوانده است، منافاتی ندارد: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [اوصیای پیامبر] را. «از جمله افرادی که خداوند آن‌ها را واجب‌الاطاعه دانسته است، «اولوالأمر» یا همان «ائمه معصومین علیهم‌السلام» هستند که چون اطاعتشان با اذن الهی و در طول اطاعت خداوند است، با توحید در اطاعت منافاتی ندارد.

به اعتقاد آیت‌الله صافی، اطاعت از حکومت‌های استبدادی و طاغوتیان و حکامی که از طرف خدا مأذون نیستند، با توحید در اطاعت سازگار نیست و در زمان ظهور، تمام مظاهر شرک برچیده و در سراسر جهان، توحید در اطاعت حاکم می‌شود.^۲

امام‌زمان عجل‌الله‌فرجه در نامه‌ای به شیخ مفید، سبب غیبت خود را این‌گونه بیان می‌فرماید: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا تُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ»؛ علت مخفی شدن ما از آنان [شیعیانمان] چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام دادن این کارها را از آنان نداریم. «طبق این بیان، اعمال نادرست و گناهان، سبب غیبت امام شده است؛ و لذا انجام دادن اعمال صحیح و اطاعت از دستورهای خداوند، می‌تواند بر تسریع ظهور ایشان مؤثر باشد. خداوند نیز در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛^۳ خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملت‌ی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند!»

علامه طباطبائی ذیل این آیه می‌نویسد: همواره میان تقوا و تضاعف نعمت‌ها و برکات ظاهری و باطنی از ناحیه خدا ملازمه است و اگر مردمی ایمان آوردند و عمل صالح انجام

۱. نساء: ۵۹.

۲. صافی گلپایگانی، به سوی دولت کریمه، ص ۵۴.

۳. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۴. رعد: ۱۱.

دادند، به دنبال آن، نعمت‌های دنیا و آخرت به سویشان سرازیر شد^۱ و بر اساس روایات، یکی از نعمت‌ها، ائمه عليهم السلام و حضرت مهدی عليه السلام معرفی شده است.^۲

همچنین آیه **﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾**^۳؛ بیانگر این است که اگر افراد جامعه، در کنار ایمان، تقوای الهی پیشه کنند و از گناهان اجتناب ورزند، درهای رحمت و برکت خداوند به روی آنان گشوده خواهد شد. علامه طباطبایی فرمودند؛ منظور تقوا و پرهیزکاری یک نفر یا دو نفر از مردم نیست، بلکه تقوای جمعیت مردم مراد است.^۴

بنابراین، افراد جامعه با اطاعت از دستورهای خداوند، می‌توانند درهای نعمت و برکات الهی را به روی خود بگشایند که بی‌شک، ظهور حضرت یکی از آن نعمت‌ها است.^۵ پس، از راه‌های زمینه‌سازی ظهور، رعایت تقوا و توحید در اطاعت است.

۲. سوق دادن به سوی وحدت جهانی

طبق بینش توحیدی، فقط خداوند، خالق و مالک مستقل جهان و موجودات است و آن‌ها را تدبیر می‌کند. تشریع و جعل احکام و تکالیف و حاکمیت و ولایت که به معنای تسلط بر جان و مال انسان‌ها و اداره امور جامعه است، بالذات از شئون الهی است و طبعاً کسی که این نگرش را دارد، در عمل، در عرض دوستی خدا، دل در گرو محبت دیگری نمی‌نهد و از کسی که دستورهایش با دستورهای خداوند ناسازگار است، پیروی نمی‌کند.

نتیجه این بینش توحیدی به زعم آیت‌الله صافی، این می‌شود که شرک با مظاهر مختلفش که در اجتماعات گوناگون، به صورت‌های مختلف جلوه دارد؛ به توحید تبدیل و تعدد جوامع و استمارهای موجود در آن‌ها ریشه‌کن می‌گردد. فاصله‌های جغرافیایی، فرهنگی و فکری، از

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۱۰-۳۱۶.

۲. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۴۸.

۳. اعراف: ۹۶.

۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۰۱.

۵. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۴۸.

میان برداشته می‌شود و همه جهانیان به امت واحد تبدیل می‌گردند که قانون الهی بر آنها حاکم است.^۱ آیات و روایات، این نوید را می‌دهند که ظهور حضرت مهدی عجّه‌السلام با این وحدت جامعه کاملاً مرتبط است. در نتیجه، جامعه‌ای که توحید محور است، معنویت‌گرا رشد می‌کند و زندگی توحید محور، انسان را به سمت امام می‌کشاند و انسان «خدا گرا»، در نهایت، «ولی گرا» می‌شود.

۳. زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه مهدوی

برای ایجاد جامعه مهدوی و زمینه‌سازی ظهور، مهم‌ترین وظیفه «منتظران» در عصر غیبت، داشتن بینش توحیدی و قائل‌بودن به توحید عملی و آوردن رویکرد الهی در بطن زندگی است. در واقع، مهم‌ترین بستر شکل‌گیری جامعه جهانی مهدوی، با حاکمیت توحید و تربیت نسل «مهدی‌باور» و «مهدی‌یاور» ممکن است.

طبق بیان آیت‌الله صافی، تعلیمات اسلام، بشر را به سوی جامعه جهانی پیش می‌برد و تحقق آموزه‌های اسلام در جامعه‌های بزرگ‌تر، هدف‌های این دین را عملی‌تر می‌سازد.^۲

ابعاد مختلف توحید، با تغییر دادن جهان‌بینی انسان، سبب تعالی فکر و ظهور ارزش‌های واقعی انسان می‌شود؛ تا جایی که به غیر خدا دل نمی‌بندد و از نظام‌های مستبد و استبدادگر متنفر می‌گردد. به همین سبب، جهان برای ظهور و شکل‌گیری جامعه مهدوی آماده می‌شود.

نقش مهدویت در توحید

تا این‌جا بیان شد که مهدویت، در توحید ریشه دارد و بر توحید مبتنی است. متقابلاً، عقیده مهدویت نیز در توحید نقش دارد. تقویت مهدی‌باوری و مهدی‌یاوری باعث تقویت توحید باوری و عمل به لوازم آن و نشر و ترویج توحید در جامعه می‌شود. چگونگی تأثیر مهدویت بر توحید را به شرح زیر می‌توان تبیین کرد:

۱. صافی گلپایگانی، عقیده نجات‌بخش، ص ۳۶-۳۱.

۲. همان، ص ۱۹.

۱. رساندن انسان به تکامل توحیدی

انسان در صورتی می‌تواند در مبانی توحیدی به باور صحیح برسد که مبحث امام‌شناسی و مهدویت را به طور معقول و صحیح درک کند. دوران ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف زمان تکامل انسان‌ها در ابعاد مختلف، به‌ویژه بعد فکری و عقیدتی است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ؛^۱ وقتی قائم ما قیام کند، با قراردادن دست [ولایت] خود بر سر بندگان، قدرت تفکر آنان را افزایش می‌دهد و عقل‌هایشان به کمال می‌رسد.

به عبارت دیگر، در زمان ظهور، انسان‌ها با افزایش عقل و بلوغ فکری‌شان به عنایات حضرت؛ به جهان‌بینی صحیح دست می‌یابند و افکار شرک‌آلود، برطرف می‌شود و افراد به کمال توحیدی می‌رسند.

۱-۱. معرفت امام‌زمان، باب معرفت خدا

قرآن کریم می‌فرماید: «وَأُتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»^۲؛ از درهای خانه‌ها وارد شوید. امام صادق علیه السلام در حدیث «الأوصیاء هم أبواب الله عز وجل التي يؤتی منها ولولا هم ما عرف الله عز وجل»^۳؛ ائمه علیهم السلام را درهای خداوند برای توجه به‌سوی پروردگار معرفی کرده‌اند که اگر آن‌ها نبودند، خدا شناخته نمی‌شد. اگر کسی می‌خواهد به شناخت صحیح خداوند دست یابد، باید از دری که خود خدا قرار داده است، وارد شود.

در زیارت جامعه، ائمه با عنوان «مَحَالٌّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ» معرفی می‌شوند؛^۴ یعنی ایشان محل شناخت خدا هستند و همه معرفت الاهی در وجود آن‌ها متجلی است. پس برای شناخت حقیقی خدا، راهی جز بهره‌گیری از راهنمایی‌های آنان نیست.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵.

۲. بقره: ۱۸۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۳.

۴. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۸.

از امام حسین علیه السلام سؤال شد: «فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؛ معرفت خدا چیست؟» حضرت فرمودند: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»^۱ ایشان معرفت الهی را در شناخت امام زمان که از سوی خدا واجب الاطاعه است؛ دانستند. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به صراحت بیان کرده‌اند کسی که امام زمان خود را نشناسد، مرگش، مرگ جاهلیت است: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»^۲ البته این شناخت، صرفاً شناخت اسمی و لفظی نیست. اگر کسی امام خود را چنان که باید، بشناسد و تسلیم او شود، برترین چیزی که نصیب او می‌شود؛ آن است که در مسیر معرفت توحیدی قرار می‌گیرد. اما در مورد تحلیل این رابطه می‌توان گفت که با معرفت به امام، محبت و عشق و علاقه به حضرت در دل وی ایجاد می‌شود و نتیجه آن، میل تشبه به معشوق و محبوب است که اطاعت و پیروی از ایشان را به دنبال دارد. هر چه معرفت انسان بیش‌تر شود، محبت و علاقه و در نتیجه اطاعت بهتر و بیش‌تر از ایشان حاصل می‌شود و با عمل به دستورهای ایشان که در حقیقت، عمل به تکالیف الهی است، هدایت و توحید حقیقی حاصل می‌گردد. بنابراین، محبت به امام زمان علیه السلام محبت خدا را در پی دارد. از طرف دیگر، محبت به امام، موجب تقویت شناخت انسان به ایشان می‌شود که لازمه این امر، محبت بیش‌تر نسبت به آن حضرت است که این، خود، موجب ارتقای ابعاد بینشی و گرایشی و رفتاری انسان می‌گردد.

آیت‌الله صافی در تبیین این رابطه، چند احتمال را بیان کرده‌اند: اول آن‌که خدا را چنان‌که حق معرفت او است، به اسمای حسنا و صفات کمالیه، باید از طریق امام، شناخت؛ دوم آن‌که چون دستورالعمل چگونگی اطاعت از خدا، فقط از طریق امام و اطاعت از او دریافت می‌شود؛ مراتب مختلف معرفت کامل، بدون معرفت امام محقق نخواهد شد. این‌که در روایت است: «لَوْلَا نَحْنُ مَا عُرِفَ اللَّهُ»^۳؛ اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی‌شد؛ به آن دلیل است که راه بندگی خدا را ائمه (علیهم السلام) به همه یاد داده‌اند و سوم آن‌که مظهر کامل اطاعت از خدا، اطاعت

۱. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۷۵.

۲. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹.

۳. همان، التوحید، ص ۲۹۰.

از امام است که چون اطاعت برخاسته از معرفت است، معرفت خدا بر معرفت امام متوقف است.^۱

بنابراین، معرفت به امام، زمینه کسب معرفت به خداست. ریشه و اساس معرفت خدا هم توحید است. پس شناخت امام، زمینه رسیدن به معرفت توحیدی و تکامل توحیدی است. از امام باقر علیه السلام چنین وارد شده است: «بِنَا عُبْدَ اللَّهِ وَبِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَبِنَا وَجَدَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى»^۲ ایشان در این روایت، «امام» را وسیله بندگی خدا و معرفت الاهی و تحقق توحید می‌داند. بنابراین، امام‌زمان علیه السلام عامل رسانیدن انسان به تکامل توحیدی می‌باشد.

۲. اوج تحقق اندیشه توحیدی در عصر ظهور

اندیشه توحیدی، تدریجی و گام‌به‌گام شکل می‌گیرد که اوج تحقق آن، در عصر ظهور خواهد بود. مهم‌ترین عواملی که باعث شده است عصر ظهور، عصر توحید و معرفت الاهی شود، عبارتند از:

۲-۱. حاکمیت جهانی یافتن توحید در عصر ظهور

درمورد فراگیر شدن توحید در همه نقاط زمین در عصر ظهور، آیات و روایات فراوانی وارد شده است؛ از جمله آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۳. بر اساس آیه مذکور، خداوند، پیامبر را با دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند. طبق روایات، زمان این امر هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که دین اسلام بر همه ادیان غالب می‌شود.^۴

حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه پیش گفته، درباره زمان حصول این پیروزی می‌فرماید: «حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ أَوْ بَلَدٌ فِيهَا بَشَاهِدَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَكْرَةً وَعَشِيًّا»^۵ طبق روایت، زمان دستیابی به این پیروزی که زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است، هیچ سرزمینی نیست، مگر آن‌که صبح

۱. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. توبه: ۳۳.

۴. قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۵. طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۲۰.

و شام صدای «لا اله الا الله» از آن به گوش می‌رسد؛ یعنی در عصر ظهور، توحید در همه‌جا فراگیر می‌شود؛ شرک و مظاهر گوناگونش همچون انسان‌پرستی، وطن‌پرستی و نژادپرستی به توحید تبدیل می‌شود و همه، خدای واحد را می‌پرستند.^۱ در نتیجه اعتقاد به مهدویت باعث ترویج و تقویت توحید تا حدّ جهانی شدن آن می‌شود.

۲-۲. تحقق اقسام توحید در عصر ظهور

طبق آیات و روایات مختلف، در زمان ظهور با برچیده‌شدن مظاهر مختلف شرک، همه اقسام توحید چه در بعد نظر و اندیشه و چه در بعد عمل محقق می‌شود. به عبارت دیگر، در آن زمان، همه به خدای واحد معتقد بوده (توحید ذاتی)؛ خدایی که از هر نقصی منزّه است و صفات کمالیه نامحدود دارد که صفات وی عین ذاتش است (توحید صفاتی) و همه هستی، مخلوق اوست (توحید در خالقیت). خداوند به طور مستقل در امور هستی تصرف دارد و به تدبیر امور جهان و موجوداتش می‌پردازد (توحید ربوبی)، تنها قانون‌گذار و حاکم شایسته و مستقل است که حاکمیت دیگران به اذن او اعتبار می‌یابد (توحید در تشریع و حاکمیت)؛ تنها موجود شایسته پرستش است (توحید در الوهیت) که مردم در عمل و رفتار در سراسر جهان در عصر ظهور، تنها او را می‌پرستند و از طاغوت‌ها و مظاهر شرک دوری می‌کنند (توحید عبادی) و فقط از خدا و کسانی که از طرف وی مأذون هستند، پیروی می‌کنند (توحید در اطاعت). البته این بدان معنا نیست که در چنین جامعه‌ای هیچ گنهکار و منحرفی وجود نخواهد داشت، بلکه به آن مفهوم است که نظام حکومت در دست مؤمنان صالح است، و چهره عمومی جامعه از شرک خالی است.^۲

خداوند در آیه ۵۵ سوره مبارکه نور می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛

خداوند در این آیه به مؤمنانی که عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده است که به‌زودی، جامعه صالحی برایشان درست می‌کند و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد؛ به‌طوری‌که

۱. صافی، عقیده نجات‌بخش، ص ۲۶-۳۱.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۴.

مؤمنان، آن دین را در جامعه، مورد عمل قرار دهند و هیچ کفری جلوگیری نشود و اصول معارفش مورد اعتقاد همه باشد. همچنین خدا به آنها وعده امنیت می‌دهد تا از منافقان و کفار ترسی نداشته باشند و خدا را آزادانه عبادت کنند. منظور از عبادت، خداپرستی خالص است؛ به‌طوری که هیچ نوع شرکی در آن راه نداشته باشد و اخلاص در عبادت، عمومیت پیدا کند و خدا اجتماع آنان را ایمن می‌کند، تا در آن، جز خدا هیچ چیز دیگری پرستش نشود، و به هیچ ربی غیر از خدا قائل نباشند. آیه شریفه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه به‌زودی منعقد می‌شود، با هیچ مجتمعی قابل انطباق نیست.^۱

بنابراین، در زمان ظهور، چهره عمومی جامعه از شرک خالی است و توحید نظری به توحید عملی تبدیل می‌شود و اطاعت، مختص خدا و ولایت منصوصه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌گردد و با ولایت و حاکمیت منصوص ایشان، همه اقسام توحید محقق خواهد شد و بدین صورت، عقیده مهدویت بر تحقق اقسام توحید، بسیار مؤثر است.

۲-۳. ظهور تام اسماء الحسنی و مقام خلیفه الاهی حضرت

انسان می‌تواند مظهر تمامی اسمای جمال و جلال خداوند باشد، قرآن می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾^۲؛ و خدا را نیکوترین نام‌هاست؛ خدا را با آن نام‌ها بخوانید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، مظهر تام اسماء الحسنی هستند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نَحْنُ وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ»^۳؛ به خدا سوگند ما اسمای حسنیای خدا هستیم.

هر چند موجودات همه ظهور اسماء الله هستند؛ هر کدام به اندازه گستره وجودی خود، اسم و آیت خدا به حساب می‌آید. هر موجودی که به لحاظ وجودی کامل‌تر باشد، مظهریت او از اسم الاهی و آیت بودنش کامل‌تر است. لذا انسان کامل که از همه موجودات برتر و کامل‌تر است، اسم کامل و مظهر «الله» در عالم است.

۱. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۵۱-۱۵۶.

۲. اعراف: ۱۸۰.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۴.

اسمای الاهی به اسمای لفظی منحصر نیست، بلکه هر پدیده‌ای، به اندازه شعاع وجودی خود می‌تواند نشانه و اسمی از اسمای خداوند باشد. ائمه علیهم‌السلام به دلیل عظمت وجودی‌شان نمایانگر همه اسماء و صفات الاهی هستند.

علامه طباطبائی نیز با اشاره به حدیث نورانی امام صادق علیه‌السلام که فرمود: «نحن - والله - الأسماء الحسنى»؛ می‌گوید: «انبیا و اوصیا اسمایی هستند که بر خداوند دلالت می‌کنند... و آن‌ها مظاهر اسماء و صفات الاهی می‌باشند».^۱

اگر ائمه علیهم‌السلام نبودند، راه توحید شناخته نمی‌شد و انسان در پیمودن راه زندگی، مسیر غلطی را انتخاب می‌کرد: «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»^۲؛ و از آن‌ها که آفریدیم، گروهی به [راه] حق هدایت؛ و به حق، اجرای عدالت می‌کنند.

به گفته آیت‌الله صافی در هنگام ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه ایشان مظهر این اسمای حسناى الاهی و کارگزار خداوند است و این اسماء به دلیل اصالت توحیدی که دارند، به طور بی‌سابقه‌ای متجلی خواهند شد.^۳

حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه با مظهر تام اسمای حسنا بودن، مقام خلیفه‌الاهی را دارند که در آن زمان، ظهور عملی و فعلی خواهد یافت. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «لا تقوم الساعة حتى يقوم قائم للحق منا ... فإنه خلیفه‌الله عزوجل و خلیفتی»^۴؛ قیامت برپا نمی‌شود، جز آن‌که قائمی از خاندان من برای حق قیام می‌کند که وی خلیفه‌خداى عزوجل و خلیفه من است.

خلافت و جانشینی خداوند بر اساس کمالی که انسان کسب می‌کند، مراتبی دارد. کسی که خلیفه تام و کامل خداوند است، می‌تواند تدابیر و احکام خدا را به اذن او، در همه جهان اجرا کند. در نتیجه در عصر ظهور با وجود عینی خلیفه‌الله در جهان که ظهور تام اسمای الاهی است، راه‌های توحیدی هموارتر می‌شود.

۱. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۸۴.

۲. اعراف: ۱۸۱.

۳. صافی گلپایگانی، تجلی توحید در نظام امامت، ص ۴۶.

۴. خزاز رازی، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۱۰۶.

۳. تحقق اهداف توحیدی اسلام

یکی از اموری که تجلی توحید در ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه را روشن و در نتیجه راه را برای رسیدن به تکامل توحیدی هموار می‌کند، محقق شدن اهداف توحیدی اسلام، هنگام ظهور است که مهم‌ترین این اهداف عبارتند از؛

الف) وحدت جامعه

وحدت و همبستگی جغرافیایی و اقلیمی، یکی از اهداف توحیدی اسلام در زمان ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه است که تمام جامعه‌های کوچک، به جامعه‌ای بزرگ که فقط به خدا تعلق دارد، تبدیل می‌شود و تمام انسان‌ها در کشور واحد، بدون توجه به نژاد، رنگ، زبان و حدود جغرافیایی، مانند یک خانواده زندگی می‌کنند و سراسر جهان، حکومت، تاریخ، عید و قانون واحدی خواهد داشت. خداوند در قرآن کریم، تحقق جامعه توحیدی که در آن اثری از شرک و نفاق وجود نداشته باشد را وعده داده است: ﴿...يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾! طبق روایات، مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه است.^۲

امام صادق علیه السلام درباره این نکته که امام قائم عجله الله تعالی فرجه، اختلاف را از میان ملت‌ها برخواهد داشت، می‌فرماید: «فَوَ اللَّهُ يَا مُفَضَّلُ! لَيُزْفَعَ عَنِ الْمَلِكِ وَالْأَذْيَانِ الْإِخْتِلَافُ». ^۳ برای تشکیل جامعه‌ای واحد، جهان‌بینی و اعتقاد واحد، ضروری است که این امر بنا بر فرمایش معصومان علیهم السلام در دوران ظهور اتفاق خواهد افتاد و امام، همه انسان‌ها را بر مرام و عقیده‌ای واحد گرد می‌آورد.^۴ بنابراین، به سبب ایجاد جهان‌بینی توحیدی و وحدت فکر و عقیده انسان‌ها، تمام مرزهای جغرافیایی برداشته می‌شود و جامعه واحد توحیدی شکل می‌گیرد؛ بدین صورت که فرماندهی واحدی شکل می‌گیرد و ریشه‌های اختلاف و دوگانگی از بین می‌رود و ملت‌های مسلمان به امت واحد اسلامی تبدیل می‌شوند و حکومت جهانی مهدوی شکل می‌گیرد. برخی معتقدند که تنها مبنای عقیدتی موجب تمایز کشورها از همدیگر می‌شود؛ ولی، پذیرش مرزهای

۱. نور: ۵۵.

۲. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۳۸.

۳. حلی، مختصر البصائر، ص ۴۳۶.

۴. ابن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، ص ۲۰۶.

جغرافیایی از ضرورت‌های دنیای معاصر است و وجود آن به‌طور کلی فاقد اعتبار نیست.^۱ علامه طباطبایی معتقدند که پذیرفتن مرزهای جغرافیایی با جهانی بودن مرزهای عقیدتی اسلام منافاتی ندارد.^۲

آیت‌الله صافی نیز معتقد است که ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له کاملاً با این وحدت جامعه ارتباط دارد و آیات و روایات نیز مؤید این مطلب است و با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی، اداره جهان در زیر یک پرچم و یک حکومت، غیرممکن نخواهد بود و تمام عالم به منزله یک مملکت و بلکه یک شهر می‌شود و امکان حکومت موعود را بیش‌تر می‌کند.^۳

ب) وحدت حکومت و نظام

بر اساس دیدگاه آیت‌الله صافی در عصر ظهور، رهبری دینی و معنوی با رهبری سیاسی که در زمان‌های مختلف از سوی حکام ظالم غصب شده بود؛ همراه و حکومت واحدی از سوی امام قائم عجل الله تعالی فرجه له تشکیل می‌شود که دارای پرچم و قانونی واحد است؛ پرچم اسلام و قوانین قرآن.^۴

طبق آیات قرآن، زمین از آن بندگان صالح خداست: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۵ پس ملکیت و حاکمیت زمین از دست غاصبان و ائمه جور به امامان عادل و خلفای آن‌ها منتقل خواهد شد؛ همان‌گونه که در احادیث وارد شده است که خدا، خاور و باختر جهان را به دست آن حضرت فتح می‌کند: «ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا»^۶ در نتیجه، تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، زیر سایه پرچم اسلام و قوانین حیات‌بخش آن، سبب شکوفایی و تکامل اندیشه‌ها و برپایی قسط و عدل در جهان خواهد شد.

۱. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۱۳ و ۳۲۰.

۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۲۵.

۳. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۱۴۹.

۴. همان، ص ۶۰.

۵. انبیاء: ۱۰۵.

۶. صافی گلپایگانی، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه له، ص ۱۰۱.

ج) وحدت دین

خداوند در سه جا در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۱؛ او [خدا] کسی است که پیامبر خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا این‌که دین حق را بر هر دین دیگر پیروز کند. «وعدۀ پیروز شدن دین اسلام بر همه ادیان و حاکمیت این دین بر کلّ جهان که از آیۀ مذکور به دست می‌آید، تاکنون تحقق نیافته و چون وعده الاهی تخلف‌ناپذیر است؛ پس سرانجام بایستی تحقق یابد که طبق روایات متعدّد، زمان تحقق آن، هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.^۲ در برخی روایات، به‌وضوح بیان شده است که هنگام ظهور، فقط دین اسلام باقی می‌ماند: «يملا الارض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما ... حتی لا یبقی الا دین محمد ص».^۳

از منظر آیت‌الله صافی، اساس عقیده به مهدویت و غلبه اسلام بر تمامی ادیان، در نهاد دعوت اسلام و باور توحیدی و کلمه اخلاص به ودیعه نهاده شده است. این‌که دنیا به سوی جامعه‌ای یگانه در حرکت است، زمینه‌ساز آینده‌ای درخشان، بر اساس تعالیم اسلام است.^۴ بنابراین، در زمان ظهور، تمام ادیان دروغین و تحریف شده، از بین می‌روند و تنها دین اسلام در همه‌جا برپا خواهد بود و همه‌جا را فرا خواهد گرفت و از سویی، چون اساس دین، توحید است؛ در حقیقت با حاکمیت گسترده و جهانی دین اسلام، حاکمیت گسترده توحید، عملی می‌شود.

۱. توبه: ۳۳، فتح: ۲۸ و صف: ۹.

۲. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰.

۳. طوسی، کتاب الغیبه، ج ۱، ص ۴۷۴.

۴. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۳۳۴.

نتیجه‌گیری

طبق جهان‌بینی اسلامی، «توحید» و «مهدویت» دارای ارتباط متقابل و ناگسستنی هستند. مهدویت در دو بعد اندیشه و عمل، بر توحید مبتنی است. جعل الاهی امام طبق توحید افعالی، حق تشریع و حاکمیت و ولایت امام طبق توحید در تشریع و حاکمیت، واسطه فیض بودن امام و تدبیر امور طبق توحید ربوبی؛ از مهم‌ترین علل ابتدای مهدویت بر توحید در ساحت نظر و اندیشه است.

بنابراین، زیر بنای عقیده شیعه در مهدویت که به امام منصوص از طرف خدا باور دارد؛ «توحید افعالی» است و بر اساس توحید در تشریع و حاکمیت، با رسمیت نشناختن حاکمیت غیرالاهی و قوانین بشری، زمینه‌ساز ایجاد حکومت مهدوی است.

انحصار عبادت به بندگی خالص خدا و دوری از هر نوع دنیاپرستی و هواپرستی بر اساس توحید عبادی، واجب‌الاطاعه بودن امام و پرهیز از اطاعت طواغیت و ظالمان مبتنی بر توحید در اطاعت، از مهم‌ترین علل ابتدای مهدویت بر توحید در ساحت عمل است.

مراتب مختلف توحید، عامل مهم سوق‌دادن جوامع به سوی وحدت جهانی و زمینه‌ساز تحقق جامعه مهدوی است. برای ایجاد جامعه مهدوی و زمینه‌سازی ظهور، مهم‌ترین وظیفه منتظر در عصر غیبت، داشتن بینش توحیدی و قائل بودن به توحید عملی و آوردن خدا در بطن زندگی است.

در نقش مهدویت بر توحید، تقویت مهدی باوری و مهدی یاوری موجب تقویت توحید باوری می‌شود. «امام»، راه رسیدن به شناخت خدا و معرفت توحیدی و تکامل توحیدی است. توحید، در عصر ظهور به اوج تحقق خود می‌رسد. با حاکمیت جهانی توحید و تحقق اقسام توحید در عصر ظهور و ظهور تام مقام خلیفه‌اللهی امام، توحید متجلی می‌شود.

از دیگر تأثیرات مهدویت بر توحید، تحقق اهداف توحیدی اسلام هنگام ظهور است که مهم‌ترین این اهداف، شکل‌گیری وحدت در جامعه و حکومت و دین است. همبستگی جغرافیایی، با جهان‌بینی و اعتقاد واحد شکل‌گرفته و مملکتی یکپارچه با حکومت واحد و نظام اسلامی و دین اسلام ایجاد می‌شود و تمام ادیان باطل و تحریف شده، از بین می‌رود.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم النعمانی، الغیبه (للنعمانی)، محقق: علی اکبر غفاری، صدوق، ۱ جلد، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، مصحح: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ۲ جلد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ق.
۳. _____، التوحید (للصدوق)، مصحح: هاشم حسینی، جامعه مدرسین، ۱ جلد، چاپ دوم، قم، ۱۳۹۸ق.
۴. _____، الخصال، مترجم: یعقوب جعفری، نسیم کوثر، قم، ۱۳۸۲.
۵. _____، من لایحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، ۶ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۳ق، لسان العرب، مصحح: جمال الدین میردامادی، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۵ جلد، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۸. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تصحیح قسم الدراسات الإسلامية، مؤسسة البعثة، ۵ جلد، قم، ۱۳۷۴.
۹. جمعی از نویسندگان، دانشنامه مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه، پایگاه تخصصی عاشورا، ۱ جلد، بی جا، بی تا.
۱۰. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، مصحح: مشتاق مظفر، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی قم، ۱ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۲۱ق.
۱۱. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، مصحح: عبد اللطیف حسینی کوهکمری، بیدار، ۱ جلد، قم، ۱۴۰۱ق.

۱۲. خطیبی کوشکک، محمد و همکاران، فرهنگ شیعه، زمزم هدایت، ۱ جلد، قم، ۱۳۸۶.
۱۳. خواجهگی شیرازی، محمد بن احمد، النظامية فى مذهب الإمامية، مصحح: على اوجبی، مرکز فرهنگی نشر قبله، تهران، ۱۳۷۵.
۱۴. راوندی، سعید بن هبة الله (قطب الدين)، الخرائج و الجرائح، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، کتاب طه، ۲ جلد، چاپ هشتم، قم، ۱۳۹۰.
۱۶. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. سبحانی، جعفر، محاضرات فى الهیات، تلخیص: على ربانى گلپایگانی، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱ جلد، قم، ۱۴۲۸ ق.
۱۸. _____، راه خداشناسی و شناخت صفات او، مکتب اسلام، ۱ جلد، قم، ۱۳۷۵.
۱۹. _____، جعفر و دیگران، دانشنامه کلام اسلامی، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، ۱۳۹۸.
۲۰. سلیمیان، خدا مراد، درس نامه مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عليه السلام، تهران، ۱۳۸۷.
۲۱. _____، فرهنگ نامه مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عليه السلام، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فى الإمام الثانی عشر عليه السلام، مکتبة آية الله العظمی الصافی الگلپایگانی، وحدة النشر العالمية، ۲ جلد، قم، ۱۴۲۲ ق.
۲۳. _____، سلسله مباحث امامت و مهدویت، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، ۴ جلد، چاپ پنجم، قم، ۱۳۹۱.
۲۴. _____، عقیده نجات بخش، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.

۲۵. _____، ولایت تکوینی و ولایت تشریعی، دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی، قم ۱۳۹۲.
۲۶. _____، معرفت حجت خدا، دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۲۷. _____، نظام امامت و رهبری، دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۲۸. _____، تجلی توحید در نظام امامت، دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۲۹. _____، اصالت مهدویت، دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۳۰. _____، پیرامون معرفت امام، دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۳۱. _____، معارف دین، دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۸۵.
۳۲. _____، به‌سوی دولت کریمه، دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی، ۱۳۸۹.
۳۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۲۰ جلد، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۹۰ق.
۳۴. طبرسی، امین الاسلام، إعلام الوری بأعلام الهدی، اسلامیه، تهران، بی‌تا.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: هاشم رسولی، ناصر خسرو، ۱۰ جلد، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۳.
۳۶. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مصحح: محمدباقر خراسان، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳.
۳۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع‌البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری،

- مرتضوی، ۶ جلد، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، محقق: علی احمد ناصح، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۲۵ ق.
۳۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، مصحح: حسین اعلمی، مکتبه الصدر، ۵ جلد، چاپ دوم، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، مصحح: طیب موسوی جزایری، دارالکتاب، ۲ جلد، چاپ سوم، قم، ۱۴۱۵ ق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن (خداشناسی - کیهان‌شناسی - انسان‌شناسی)، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱ جلد، قم، ۱۳۸۸.
۴۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۵۸.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۲۸ جلد، تهران، ۱۳۷۴.
۴۵. _____، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، سمت، ج ۱، تهران ۱۳۷۲.
۴۶. موسوی، خمینی، روح‌الله، کشف‌الاسرار، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸.
۴۷. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، مصحح: محمد انصاری زنجان، الهادی، ۲ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۰۵ ق.